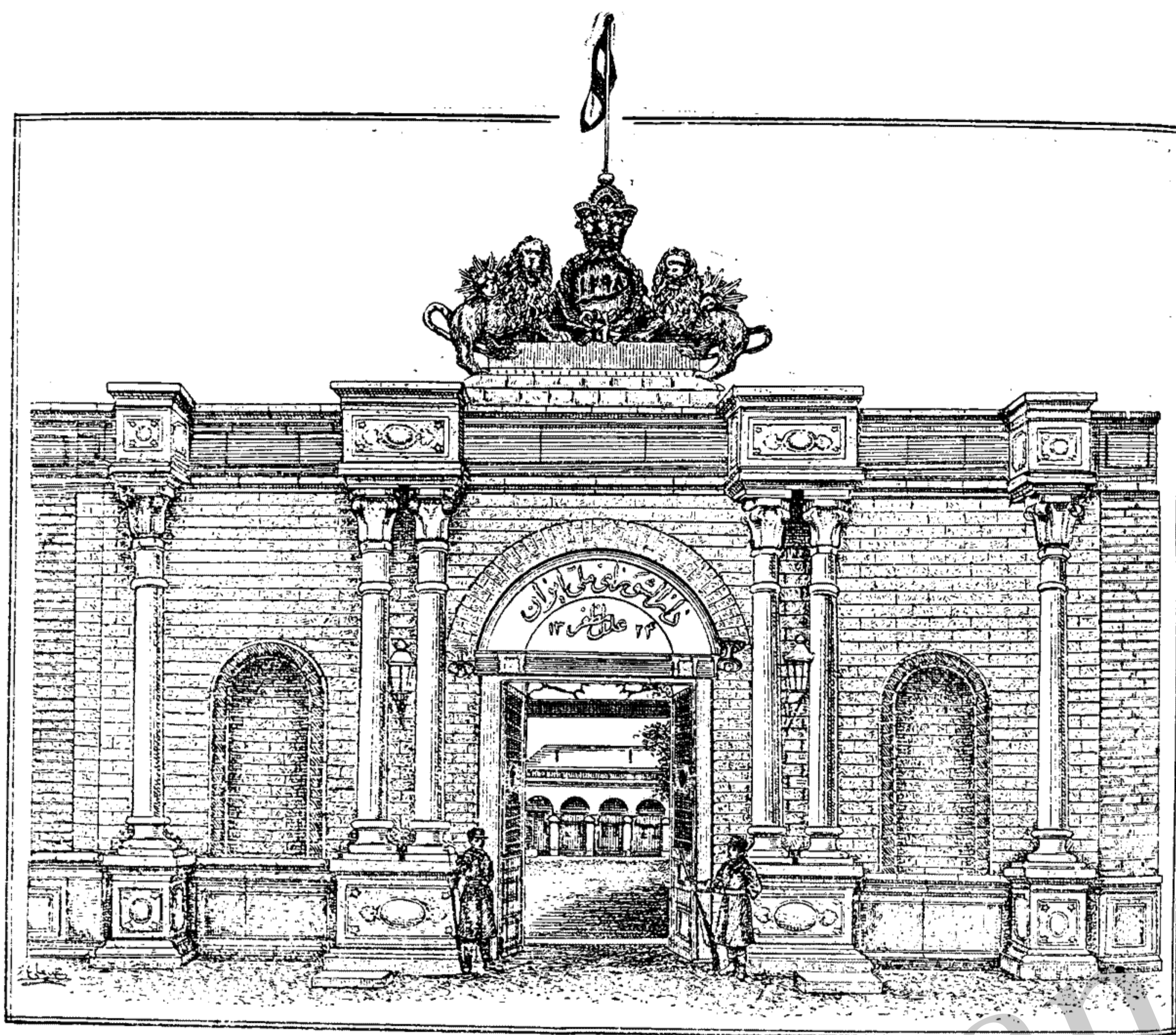


شماره هفتم	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	جلسه ۴۱
قيمة اشتراك داخلة ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان » قيمة تك شماره يك قران	مندرجات فقط شامل مذاكرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه كليه مذاكرات در يك شماره منتشر ميشود. مطبعة مجلس	تاريخ تأسيس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۲ آذر ۱۳۰۵ مطابق ۸ جادی الثاني ۱۳۴۵

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۸ جمادی الثانیة ۱۳۴۵

جلسه ۴۱

نایب رئیس -- در صورت مجلس اعتراضی نیست؟
(اظهاری نشد)

نایب رئیس -- صورت مجلس تصویب شد. در جلسه

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای طباطبائی
دیبا نایب رئیس تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم یکشنبه بیستم آذرماه را
آقای ضیاء قرائت نمودند)

نمبر	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	اخذ رأی بورود شور ثانی طرح قانون بلدی	۱۲۷	—
۲	شور اول خبر کمیسیون داخله راجع بمؤسسات صحی مملکتی	۱۲۷	۱۳۳
۳	تقدیم لایحه ۱۳ بودجه مملکت از طرف آقای وزیر مالیه	۱۳۴	—
۴	شور ثانی نسبت به لایحه اتوبوس رانی (ماده اول)	۱۳۵	۱۴۰

سابق چون اکثریت نبود رأی بشور دوم قانون بلدی گرفته نشد. فعلاً رأی گرفته میشود. رای میگیریم برای ورود در شور دوم آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ارجاع میشود بکمیسیون داخله. پیشنهادی هم از طرف آقای فیهمی راجع بقانون بلدی رسیده است مراجعه بکمیسیون میشود. از طرف جمعی از نمایندگان پیشنهادی تقدیم شده است قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام مقدس مجلس شورای ملی -- امضا کنندگان ذیل پیشنهاد میمائیم خبر نمرة ۲ کمیسیون داخله راجع بامور صحیبه را جزء دستور امروز قرار دهند.

حائری زاده -- عصر انقلاب. میرممتاز -- حق نویس -- نظام مافی -- دکتر ظاهری

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای نظامی و دادگر هم در همین زمینه است.

حاج اسدالله زوار -- بنده اخطار نظامنامه دارم نایب رئیس -- بفرمائید --

زوار -- بنده از نطق قبل از دستور میخواستم استفاده کنم.

حائری زاده گفتند دستور (همهمه نمایندگان)

بکنفر از نمایندگان -- در نظامنامه همچو چیزی نیست.

(همهمه ...)

نایب رئیس -- مجلس رای داد. رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که موافقتند قیام فرمایند.

(بعضی قیام نمودند)

عده از نمایندگان -- (باهمهمه) کدام پیشنهاد؟ نایب رئیس -- پیشنهاد مجدداً قرائت میشود (مجدداً بشرح فوق قرائت شد)

نایب رئیس -- هر يك از آقایان توضیح میدهند بفرمایند. آقای دادگر: بفرمائید

دادگر -- عرض میکنم مدتها است از طرف تمام آقایان نمایندگان بدون تفاوت اظهار علاقه مفرط نسبت بصحیبه میشود والبته علاقه اگر همین طور لفظی باشد فائده ندارد و باید وقتی متحقق شود که يك وسیله و يك راهی برای انتظام امور صحی در نظر گرفته شود در مجلس شورای ملی هم وقتی اینطور مطالب میخواهد يك لباس رسمی بپوشد در ضمن يك لایحه قانونی میآید بمجلس و مطرح میشود بعد بموقع اجرا و استفاده میرسد. ما همه مان در این قضیه ابراز علاقه کرده ایم و حالا که این مسئله آمده است بمجلس و مهیبا است تقاضا میکنیم جزو دستور شود.

نایب رئیس -- آقای میرزا عبدالله خان وثوق میرزا عبدالله خان وثوق -- بنده موافقم

نایب رئیس -- آقای روحی

روحی -- موافقم

نایب رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- موافقم

نایب رئیس -- آقای نظامی

نظامی -- موافقم

نایب رئیس -- آقای بهار

بهار -- بعقیده بنده این قسمت يك نزاحی بانظامنامه وزارت معارف و باقانون اساسی پیدا کرده است و برای اینکه بهتر بشود در این موضوع مطالعه کرد خوب است آقایان موافقت بفرمایند که لا اقل این لایحه تا جلسه بعد عقب بیفتد که ما بتوانیم در خارج يك مذاکرانی در اطراف این موضوع بکنیم و در جلسه بعد مطرح شود

نایب رئیس -- آقای وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق -- اگر این خبر کمیسیون يك شوری

بود بنده هم موافقت میکنم با نظر آقای ملک حائری زاده -- يك شوری است

میرزا عبدالله خان وثوق -- ولی این خبر دوشور دارد و نمکن است امروز مذاکره بشود و نظریاتی که آقایان دارند گفته شود و پیشنهاداتی هم اگر هست داده شود بعد هم مجال خواهد بود که يك رسیدگی گاهی در خارج بشود و برای شور دوم نظریه عمده آقایان معلوم شده باشد

نایب رئیس -- آقای روحی

آقا سید یعقوب -- این برخلاف سابقه است در پیشنهاد يك موافق و يك مخالف حرف میزنند بعد رای گرفته میشود

نایب رئیس -- رای میگیریم. آقایانی که با این پیشنهاد موافقتند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول -- کلیه مؤسسات صحی ملکیتی و بلدی -- صحیة نظمیها -- مدرسه طب -- مدرسه بلدگی -- دواسازی -- دندانسازی -- و مؤسسه دستور در اداره کل صحیبه متمرکز خواهد شد

تبصره -- اداره کل صحیبه در قسمت مدارس طب -- قابلیت -- دواسازی و دندانسازی تحت ریاست عالییه وزیر معارف پرگرام بودجه و تشکیلات آنرا مرتب خواهد نمود

آقا میرزا هاشم آشتیانی -- در کلیات باید شور بشود

شریعت زاده -- بنده اخطار دارم شور در کلیات است

نایب رئیس -- بلی شور در کلیات است. بنده مقصودم این بود ماده اول را بخوانند بعد داخل شور در کلیات بشوم. آقای دادگر

دادگر -- موافقم. نایب رئیس -- آقای دکتر سنک

دکتر سنک -- موافقم. نایب رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- موافقم

نایب رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- موافقم

نایب رئیس -- آقای حائری زاده

حائری زاده -- بنده موافقم ولی میخواستم از آقای مخبر يك سؤالی بکنم چون در خارج يك صحیبتی شد راجع

مؤسسه دفع آفات حیوانی (چون در آن جلسه که این ماده در کمیسیون گذشت بنده نبودم) میخواستم بپرسم که

مؤسسه دفع آفات حیوانی هم جزو این طرح هست بخیر؟ ضیاء (مخبر کمیسیون داخله) -- همین طور که ملاحظه

میفرمائید راجع بدفع آفات حیوانی در این قانون صراحتی ندارد و در کمیسیون هم مذاکرانی راجع بین موضوع

شده است و مؤسسه دفع آفات حیوانی بمناسبت اقداماتی که شروع کرده و کار را بجزین انداخته قرار شد که در

اینقانون ذکر نشود و همینطور که ملاحظه میفرمائید ذکر نشده و مسکوت عنه گذارده شده است

نایب رئیس -- آقای زوار

حاج اسدالله زوار -- موافقم

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده اصلاً موافقم راجع باین طرح ولی نظرم این بود که از طرف مجلس اطلاع داده شود که

نماینده وزارت داخله حاضر بود. این يك لایحه ایست که نماینده وزارت داخله و وزارت معارف و وزارت فواید

عامه باید اینجا باشند که بدانند این يك مؤسسه ایست که فوق العاده محل توجه مردم است. و حقیقه باید ایران

را از این بدبختی و ناخوشی که سالیان سال دامن گیرش شده است نجات بدهند بنده جهة نبودن مسئولین و مأمورین که عبارت از قوه اجرائیه باشد (نمیدانم بچه بیان عرض کنم) اگر بخوام بنظر مخالفت عرض کنم که خودم موافق هستم از این جهة بنده عقیده ام این است که نماینده وزارتخانهها باید حاضر باشند. این است که بنده ناچارم بعنوان مخالفت عرض کنم که تلفون بشود بمسئولین وزارتخانهها بیایند در

مجلس و بنشینند که بدانند مجلس چه توجیهی باین قانون دارد و آنها هم مأمورین اجرای این قانونند.

مخبر - خاطر محترم آقای آقا سید یعقوب مسبوق است که جریان طرحهای قانونی و لوایح قانونی هر کدام یک صورت خاصی دارد و این طرح بخصوص در کمیسیون همینطور که در مقدمه لایحه هم ذکر شده است مطرح شده است با حضور وزرای محترم معارف و فوائد عامه و معاون وزارت داخله نه یک جلسه بلکه سه یا چهار جلسه با حضور آقایان این مسئله مورد مذاکره بوده است و بالاخره با حضور آقایان هم تصمیم گرفته شده است همینطور که ملاحظه میفرمائید و الان هم وزیر معارف و معاون وزارت داخله که حاضر شوند و مجلس هم کار خودش را میکند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

امامی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

نایب رئیس - بفرمائید.

امامی - عرض میکنم يك طرحی آمده است بمجلس که کاملاً مخالف با قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی است و در حقیقه مجلس میخواهد این را بایک نظر خیلی کوچکی بنگرد و بزودی بگذرانند در صورتیکه من تصور میکنم بعد از گذراندن در عمل دچار اشکالات شدیدی خواهد شد. در این صورت خوب است آقایان اجازه بدهند که در اطرافش مذاکره شود و مخالف با موافق حرفهایشان را بزنند. آنوقت رأی داده بشود.

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. آقای زوار.

حاج اسدالله زوار - بنده تصور میکنم که اصولاً در کارهای مملکتی ما يك دستوری داریم که دستور مقدسی است.

(العلم علمان علم الابدان و علم الاديان) و بنده خیلی متأسفم از اینکه در يك مسئله مهمی که طرف علاقه ماست این طور مذاکره شود در صورتیکه اشد اقتضای دارد که آقایان نسبت باین قبیل مسائل توجه بکنند. و بنده درین امر تصور میکنم. مجرد اینکه این لایحه بمجلس آمد آقایان تصویب میکنند. و حالاً هم استدعا میکنم که آقایان دقت خودشان را در لوایح بکنند.

و این لایحه که آمده است بمجلس تمام موادش فوراً تصویب شود.

نایب رئیس - آقای امامی.

امامی - در اینکه از وقتی که آقای دکتر حسینخان بهرامی متصدی کارهای صحیه شده اند يك قدمهای مهمی برای صحیه برداشته اند که حقیقه این قدمها قابل توجه است هیچ جای تردید نیست ولی از آنطرف ما نباید قوانینی را که وضع میکنیم احساسات را مدخلیت بدهیم بنده تصور میکنم این طرحی را که آقایان پیشنهاد کرده اند و کمیسیون محترم داخله هم تصویب کرده. اولاً در اینجا کاملاً موافقت نظر دولت تحصیل نشده است زیرا از قراری که بنده در خارج شنیده ام آقای وزیر معارف کاملاً با این طرح مخالف بوده اند و آقای وزیر هم مخالف بوده اند. خود وزارت فوائد عامه هم مخالف بوده است بعلاوه طرحها و قوانینی که میباید بمجلس باید موافقت نظر دولت جلب شود دیگر اینکه بنده تصور میکنم که این طرح اساساً با اصل نوزدهم قانون اساسی مخالفت دارد بجهت اینکه اصل نوزدهم میگوید: تاسیس مدارس بمخارج دولتی و مالی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالییه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد در این صورت بنده تصور میکنم اساساً این طرح با قانون اساسی مخالفت دارد برای اینکه در اینجا ما تحصیل عالییه را در تحت ریاست صحیه میگذاریم آقایانی که در کمیسیون تشریف داشته اند گمان کرده اند با تبصره که در ماده اول پیشنهاد کرده اند

رفع محظور را کرده اند در صورتیکه بعقیده بنده ماده اول و تبصره کاملاً مخالف با ماده دوم است که خود آقایان در اینجا پیشنهاد کرده اند زیرا در تبصره مینویسد: اداره کل صحیه در قسمت مدارس طب، قابلیتگی، دوا سازی و دندان سازی تحت ریاست عالییه وزیر معارف برگرم. بودجه و تشکیلات آنرا مرتب خواهد نمود. در ماده دوم کاملاً اداره صحیه را در تحت نظارت وزارت داخله قرار داده و مینویسد: اداره صحیه مکلف است تمام برگرامها بودجهها، تنظیمات تشکیلاتش را در تحت ریاست وزارت داخله بدهد. حضور میشود يك اداره در آن واحد تحت ریاست دو وزارتخانه باشد. بعقیده بنده این مخالف با قانون اساسی است و عملاً هم دچار مشکلات خواهد شد معارف وزارت فوائد عامه - بنده در این قسمت چون نماینده محترم راجع بقسمت وزارت فوائد عامه صحبت فرمودند مختصراً عرض میکنم بطوریکه مذاکره میشود اساساً آقایان نمایندگان معلوم میشود نسبت بصحیه توافق نظری دارند منتبھی در موادش بعضی نظریات هست که مخالف با قانون هست باینست؟ و در آن موضوع البته فرمایشاتی خواهند کرد ولی در قسمت راجع بفوائد عامه و قسمت مؤسسه باستور در کمیسیون هم مذاکره شده و قرار شد همانطور که لایحه تنظیم شده بشود منتبھی در قسمت مؤسسات دفع آفات حیوانی به ترتیبی که متخصص در وزارت فوائد عامه است عمل خودش را خواهد کرد ولی قسمت مؤسسه باستور جزء صحیه باشد

نایب رئیس - آقای بهار

بهار - خیلی خوشوقت می شدم که آقایان عرایض بنده را در مورد ناخیر طرح این لایحه می پذیرفتند تا اینکه این قضایا و اشکالات حل میشد و شاید بعد از تنفس هم ممکن بود مطرح بشود. متأسفانه موافقت فرمودند. اساساً در مورد گذراندن لوایح ماحق نداریم اشخاص را در نظر بگیریم والا اگر از این نقطه نظر ما بایستی لوایح را بگذرانیم بالاخره بنده خیلی حقوق بیش از اینها برای آقای بهرامی قائل میشدم. برای اینکه مراتب علمی

و فضلی و پشت کار ایشان و بالاخره انرژی و زحمات ایشان را بیشتر از آقایان کاملاً اطلاع دارم و این يك لایحه قانونی است که ما داریم رای میدهیم و طرح قانونی که از طرف يك نفر یا جمعی از کلاء بمجلس پیشنهاد میشود باید تمام جنبه هایش از نقطه نظر نظامات و قوانین و تشریفات يك طرح قانونی باید محفوظ بماند. باید اول مراقبت شود که این طرح قانونی تمام يك قانون ثابت فوق العاده به عادی سابق نداشته باشد. باید برخلاف قانون اساسی نباشد. باید به نظامنامه هائی که برای وزارت خانه نوشته شده است مخالفت نکنند. بایستی در تمام کمیسیون هائی که مربوط به این موضوع است سیر کنند. بنظر تمام کمیسیونها برسد با نمایندگان وزارتخانه هائی که مربوطند با این طرح در يك طرح قانونی طی کنند بعد بیاید در مجلس و الا صرف اینکه این طرح قانونی در عمل بحقوق فلان مدیر فعال کمک خواهد کرد. بصرف این احتمال و بصرف اینکه منظور مقنن يك شخص فعال و يك شخص محترمی است مجلس نمیتواند تمام این ترتیبات را کنار بگذارد و این مراعاتها را در مورد يك طرح قانونی نکند. عرض بنده در این قسمت بود. این طرح از يك طرف با اصل نوزدهم قانون اساسی چنانچه آقای امامی فرمودند اصطکاک و مزاحمت پیدا میکند و از طرف دیگر با قانون وزارت معارف تماس پیدا میکند و اسباب مزاحمت میشود و الغاء يك اصل از قانون وزارت معارف را ایجاد میکند بعلاوه این طرح رفته است به کمیسیون داخله و از کمیسیون داخله برگشته است در صورتیکه بایستی به کمیسیون معارف میرفت و کمیسیون معارف و کمیسیون داخله با شرکت نمایندگان وزارت معارف و داخله می نشستند و در این کار مطالعه میکردند. این هم بعمل نیامده است. خود بنده که مخبر کمیسیون معارف هستم هر چه انتظار کشیدم که این طرح بیاید آنجا ما هم درس يك امعان نظری بکنیم نیامد زیرا بالاخره يك طرفش معارف است و يك طرفش داخله. این يك گفتگویی است بین دو وزارتخانه. همان طور که بایستی در کمیسیون داخله در این باب مطالعه بشود

بایستی در کمیسیون معارف هم از نقطه نظر جنبه معارفی بیاید و مطالعه شود. شاید ما دلایلی اقامه می‌کردیم که این طرح اصلاً مسترد شود یا موادی بر او اضافه می‌کردیم که امروز اسباب مخالفت نشود. بالاخره هیچکدام از این ملاحظات بعمل نیامده است. حالا به چه لحاظ بنده نمیدانم. از همه این‌ها گذشته این با یکی از اصول مسامحه دنیا هم مخالف است و آن این است که در تمام دنیا مدارس در تحت نظر وزارت علوم باید اداره شود بنده بقسمت انستیتو پاستور و مؤسسات دفع آفات حیوانی کار ندارم. بنده اشکالم راجع باین قسمت است که مدارس باید در تحت نظر وزارت علوم اداره شود. بایستی بالاخره وزارت علوم مشغول تهیه بودجه و جلب معاین و بالاخره نوشتن پرگرام و تمام مقدمات یک مدرسه باشد. بایستی محصلین در سایه وزارت علوم تحصیلات خودشان را تمام بکنند و دیپلم و تصدیقنامه که می‌گیرند بامضای وزارت علوم مصدق باشد. هیچوقت در هیچ جای دنیا یک اداره نمیتواند دارای مدرسه باشد. زیرا مدرسه (چه مدرسه طب، چه مدرسه سیاسی، چه مدرسه دارالفنون) مربوط با ادارات دولتی نیست زیرا اشخاصی که میروند مدرسه درس بخوانند برای این نیست که نوکر دولت بشوند. میروند درس بخوانند و تحصیل علم بکنند. پس مدارس بایستی از تحت نفوذ ادارات آزاد و خارج باشد و مربوط باشد بجامعه علمی مملکت که مظهر نام و تمام آنها وزارت علوم است. این اصل هم بعقیده بنده در اینجا زیر پا گذاشته شده است. این اصل مسلم، این قاعده کلی، این قاعده طبیعی هم در اینجا مراعات نشده است بنده در قسمت‌هایی که مربوط است بعمل صحیه کاملاً موافقم و حتی عقیده دارم که تمام قسمت‌های صحی از قبیل مریضخانه بلدی، مریضخانه نظمیه و سایر مریضخانه‌ها و آنچه مربوط با اعمال صحی است و ارتباط با دولت دارد تمام اینها باید در تحت نظر اداره صحیه باشد و حتی بنده معتقدم که باید یک وزارت صحیه در مملکت باشد و امثال آقای بهرامی هم وزیر صحیه بشوند و تمام دوائر مربوطه بصحیه هم در تحت نظر ایشان باشد ولی این مسئله بهیچ وجه مستلزم این نیست که مدرسه طب هم در نظر اداره صحیه باشد. مدرسه طب یک قسمت خاصی است و شاگردهای آن مدرسه نباید بالاخره مربوط به دوائر دولتی و بالاخره بجنبه استخدامی باشند. بایستی اینها با یک شأن خاصی تربیت شوند و تصدیقنامه آنها باید بصحه وزیر علوم مملکت باشد تا اینکه اگر خواستند با این دیپلم بروند در خارج مملکت درس بخوانند و این دیپلم را نشان بدهند رسمیت داشته باشد. مدیر صحیه معمول نیست که تصدیقنامه شاگردان مدرسه طب را صحه بگذارد. این مراجعه بمدرسه، تهیه پرگرام، تشخیص معلمین عالم از غیر عالم، اینها تمام با وزارت علوم است. اگر آقای بهرامی بالاخره در این قضایا شوق داشته باشند بنده بالاخره بهتر میدانم که ایشان وزیر صحیه باشند یا وزیر معارف باشند. مقامات ایشان پیش بنده کاملاً محفوظ است. هیچ مخالفتی با مقامات ایشان ندارم ولی از نقطه نظر قانونی عرض کردم که این طرح با قانون اساسی و قوانین مملکتی مخالف است، سیر طبیعی خود را هم در مجلس نکرده. بکمیسیون معارف باید بیاید نیامده است. از همه اینها گذشته بنده مخالف هستم که مدارس عالیه ما در تحت نظارت ادارات گذاشته شود. مدارس بایستی در تحت نظارت عالیه وزارت علوم باشد. چنانچه قانون اساسی هم تصریح میکند.

وزیر معارف - بانطق خیلی غرائی که آقای بهرام فرمودند بنده دیگر لازم نمیدانم شرحی عرض کنم ولی این هم که صحیه بایستی توسعه پیدا کند هیچ محل شک نیست زیرا اگر صحت مزاج نباشد چیزهای دیگر که فرع آنست ناقص خواهد بود. پس باید صحیه توسعه و بسط پیدا کند ولی در این لایحه یک اشتباهی گویا شده است در ماده اول آن که مینویسد (کلیه مؤسسات صحی مملکتی و بلدی، صحیه نظمیه‌ها، مدرسه طب، مدرسه قابلیتگی دوا سازی، دندانسازی و مؤسسه پاستور در اداره کل صحیه متمرکز خواهد شد) بعد در تبصره مینویسند (اداره کل صحیه در قسمت مدارس طب، قابلیتگی، دوا

سازی و دندانسازی تحت ریاست عالیه وزیر معارف پرگرام بودجه و تشکیلات آنرا مرتب خواهد نمود) در صورتیکه همانطور که آقای امامی فرمودند قانون میگوید این مدارس عموماً در تحت نظر وزارت معارف است نه وزیر معارف. وزارت معارف خودش یک دستگاهی است. در آنجا شورای معارف هست. ادارات دیگر هست وزارت معارف یک ترتیباتی دارد. مدارس از ابتدائی شروع میشود میروند تا متوسطه و بعد میرسد بمدراس عالیه از قبیل طب و حقوق و همینطور اینها تقسیماتی دارد و تمام راجع بوزارت علوم و معارف است. قانون هم وزارت معارف گفته نه (وزیر معارف) و اینجا میگوید (وزیر معارف) و بنده نمیدانم این چطور با اصل قانون اساسی موافقت پیدا میکند؟ در آنجا وزیر معارف را در نظر نداشته است بلکه وزارت معارف را در نظر داشته است عرض کردم وزارت معارف یک دستگاهی است که از مدارس ابتدائی شروع میشود تا عالی و برای هر یک از اینها خود مجلس قوانینی وضع کرده است برای اداره معارف خود مجلس یک قوانینی وضع کرده است و اینها هر یک حقوق دارند و یک کاری دارند که مجموع آن را میگویند وزارت معارف. پس اگر ما همینطور که اینجا نوشته شده است بگوئیم در تحت نظر وزیر معارف باشد در حقیقت یکی از آن اصول مسامحه که خود مجلس وضع کرده است نقض شده. بعلمت اینکه وزیر معارف یک شخص عادی است تغییر هم پیدا میکنند اما دستگاه وزارت معارف هیچوقت تغییر پیدا نمیکند و یک قوانین مرتب و منظمی دارد. بنده نمیدانم چطور اینرا توانسته اند با قوانین مملکتی وفق بدهند؟ همانطور که آقای ملک فرمودند مدرسه طب برای ساختن طبیب است و این مربوط با ادارات دولتی نیست. البته طبیب که از مدرسه بیرون آمد ممکن است مستخدم دولت بشود ولی ممکن هم هست در خارج برود کار کند اساساً مدارس یک رشته دارد. شاگرد باید از مدرسه ابتدائی بیرون بیاید و برود بمدرسه متوسطه و از مدرسه متوسطه که بیرون آمد برود بمدرسه عالیه. آنوقت آنجا تقسیم میشوند. یک دسته

میروند بمدرسه طب و یکدسته میروند بمدرسه حقوق. این یک رشته زنجیری است که اگر یکی از آنها باره بشود دیگر وزارت معارف معنی ندارد. وزارت معارف باید طبیب درست بکنند. طبیب حاضر بکنند آنوقت ممکن است بصحیه برود. ممکن است جای دیگر برود و بالاخره ممکن است بهیچیک از اینها داخل نشود. خودش برود یک مطبی باز بکنند. مجبور نیست این کار را بکنند در هر صورت اعتراضی که فعلاً بنده می‌بینم این است که در اینجا نوشته است اینها در تحت ریاست عالیه وزیر معارف خواهد بود. در صورتیکه قانون بر خلاف این است و بایستی در تحت قواعد و قوانین وزارت معارف باشد (بر طبق تمام آن اصولی که خود مجلس تصدیق کرده است) در اینصورت بعقیده بنده در این طرح خوب است دقت و تجدید نظری شود و یک ترتیبی نوشته شود که مزاحمت با قانون نداشته باشد.

نایب رئیس - آقایان ثقة الاسلامی و فیروزآبادی پیشنهاد کرده اند این طرح از دستور امروز خارج شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این طرح قانونی از دستور امروز خارج شود - ثقة الاسلامی

بنده پیشنهاد میکنم که از دستور امروز خارج شود فیروزآبادی

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

یک نفر از نمایندگان - پیشنهاد کننده باید توضیح بدهد.

نایب رئیس - بسیار خوب. توضیح بدهید.

فیروزآبادی - عرض میشود که ...

نایب رئیس - آقای ثقة الاسلامی

ثقة الاسلامی - بنده با این طرح توسعه مؤسسات صحی مخالف نیستم ولی اینطور که نوشته اند: مدرسه طب، قابلیتگی، دوا سازی و دندانسازی جزو اداره کل صحیه باشد آنوقت

وزارت معارف ما بکلی منحل میشود و فردا می آیند میگویند مدرسه فلاح هم باید جزو وزارت فوائد عامه باشد یا مدرسه حقوق جزء عدلیه باشد آنوقت تمام مدارس از تحت نظر وزارت معارف بیرون میرود. پس این مؤسسه باین بزرگی آنوقت به چه درد خواهد خورد و فایده وزارت معارف چه خواهد بود؟ بعلاوه بنده تصور میکنم این ماده بر خلاف ماده نوزدهم متمم قانون اساسی خواهد بود و ماها در اینجا قسم خورده ایم که مخالف قانون اساسی کاری نکنیم. عقیده بنده این است چنانکه تا بحال بوده از حالا به بعد هم این مدارس جزو وزارت معارف باشد و این مؤسسات صحی چنان که پیشنهاد شده است ما را می بدهیم جزء صحیه باشد

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده در مورد مباحثه در کلیات عقایدی دارم و آن این است که وقتی در کلیات مباحثه میشود باید اساساً نظر آقایان نمایندگان محترم بر این باشد که وضع این قانون از نقطه نظر حدود و اختیاراتی که برای مؤسسه صحیه لازم است ضرورت دارد یا نه؟ اگر این اصل مورد تصدیق باشد باید تصویب کرد و وارد در شور مواد شد منتهی آنوقت نسبت بمواد اگر يك اعتراضی هست در نتیجه مباحثات و شور بوسیله پیشنهادات اصلاح خواهد شد - ضمناً میخواهم بعرض آقایان برسانم که از نقطه نظر اصول خود بنده هم با ماده اول این قانون شاید مخالفت داشته باشم و بیک توضیحاتی محتاج باشیم ولی این مخالفت و این علت مجوز این نیست که با اصل این طرح امروز مخالفت کنیم. بالاخره ما وقتیکه مؤسسه صحیه را لازم میدانیم قطعاً باید تصدیق کنیم که يك حدود و اختیاراتی هم باید داشته باشد تا بتواند اقلاکار کند و ابداً نظر این نیست که با قانون اساسی مخالفت شود خود بنده اگر احساس کنم که يك ماده بر خلاف قانون اساسی است با تمام قوا با آن ماده مخالفت خواهم کرد. پس در موقع مذاکره در کلیات این مباحثات بعقیده بنده مورد ندارد

نایب رئیس - آقای احتشام زاده

بعضی از نمایندگان - (با همهمه) رای بگیریید
نایب رئیس - خوب. رای میگیریم. آقایانیکه موافقت با این پیشنهاد آقای ثقة الاسلامی راجع بخروج این لایحه از دستور قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات معارف مطرح است.

آقاسید یعقوب - دستور يك ترتیبی دیگر داشت. چرا بهمان ترتیب عمل نمیشود؟

نایب رئیس - دستور همان است تغییر نکرده.

شیروانی - لایحه اتوبوس رانی مقدم بود.

نایب رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - چون بعضی اصلاحات بنظر بعضی از آقایان راجع به لایحه اتوبوس رانی رسیده بود که باموافقت نظر آقای وزیر فوائد عامه باید اصلاح شود لذا عقیده آقایان این است که این لایحه در جلسه بعد جزو دستور باشد.

روحی (مخبر کمیسیون فوائد عامه) - اجازه میفرمائید؟
نایب رئیس - بفرمائید.

مخبر - بنده لایحه اتوبوس رانی را از دستور امروز خارج میکنم (خنده نمایندگان)
یکسفر از نمایندگان - محتاج به رای است.

آقاسید یعقوب - مخبر تقاضای خروج از دستور کرد. (خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات معارف بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۳۱۸۳۱ وزارت معارف را

فیروز میرزا - این چه چیز است که خوانده میشود؟
لایحه اتوبوس رانی چه شد؟

دارند لذا استدعا میشود آن لایحه هم در دستور آئیه گذارده شود که زودتر بگذرد

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای یسائی رسیده قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم راپرت کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات جدید معارف مطرح و راپرت کمیسیون فواید عامه راجع باتوبوس رانی از دستور امروز خارج شود

نایب رئیس - آقای یسائی

یسائی - بنده توضیحات منصلی ندارم لایحه از طرف دولت چندی است بمجلس آمده و راجع است بمؤسسات جدید وزارت معارف و تعمیر ابنیه و ثانیه مدارس و مخصوصاً از نقطه نظر تعمیر ابنیه مدارس در ولایات خیلی لازم است که تا هوا مساعد است این لایحه زودتر بگذرد که تأذیر نشده بتوان تعمیراتی بعمل آورد. زیرا زمستان است و هوا نامساعد خواهد شد - از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که آن راپرت را مقدم بدارند تا زودتر تکلیفش معلوم شود - و در قسمت اتوبوس رانی بعقیده بنده چندان عجله زیادی لازم نیست و ممکن است بعد مطرح شود

نایب رئیس - آقای عراقی

حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده با يك قسمت از پیشنهاد آقای یسائی موافقم که لایحه کمیسیون بودجه راجع به مؤسسات معارفی جزو دستور شود ولی با خروج لایحه اتوبوس رانی از دستور مخالفم - زیرا این لایحه چند روز است از کمیسیون آمده و همه آقایان هم مطالعه کرده اند صحیح یا سقیم باید مطرح شود و تکلیف آن معین شود.

نایب رئیس - رای میگیریم که خبر کمیسیون راجع بمؤسسات معارف مطرح شود و لایحه اتوبوس رانی از دستور امروز خارج شود آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - مخبر پس گرفت (همهمه نمایندگان)

فیروز میرزا - بسیار خوب مخبر پس گرفت (همهمه نمایندگان)

عراقی - اجازه میفرمائید

نایب رئیس - بفرمائید

عراقی - اگر باید از دستور خارج شود مجلس باید رای بدهد مجلس که رای نداد.

حائری زاده - مخبر از دستور خارج کرد

یکسفر از نمایندگان - مخبر حق ندارد

(خنده نمایندگان)

یکسفر از نمایندگان - تنفس

نایب رئیس - اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود.

(خنده نمایندگان)

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید

نایب رئیس - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - بطوریکه چند روز قبل در مجلس بعرض آقایان نمایندگان رسید و در کمیسیون بودجه هم مذاکره شد لایحه برای چهار دوازدهم بقیه امساله تقدیم مجلس میشود و بعضی مخارجی هم که اضافه بر بودجه لزوماً پیش میآید صورت آنهم عنقریب تقدیم مجلس خواهد شد عجلتاً لایحه چهار دوازدهم تقدیم میشود و استدعا میشود هر چه زودتر بموقع تصویب برسد تا لایحه ای هم که برای بعضی مخارج فوق العاده لازم است بعرض برسد يك لایحه مختصری هم هست راجع بمحتوق آقای شمس العلماء که تقدیم میشود (دو لایحه فوق الذکر را تقدیم نمودند)

نایب رئیس - مراجعه میشود بکمیسیون بودجه وزیر مالیه - دیگر اینکه از طرف وزارت مالیه راجع بمنظورین خدمت يك لایحه بمجلس تقدیم شده است و چون این فقره متعلق بسال گذشته است و يك جمعی انتظار

نایب رئیس - تصویب نشد - لایحه اتوبوس رانی مطرح است ماده اول قرائت میشود .
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - بدوات اختیار داده میشود که اجازه اتوبوس رانی آزاد را بکمپانی شرکت متفقہ تجارتي دائمارکی (که بموجب قوانین دائمارکی شناخته شود) برای شهر طهران و شمیران بدهد باین شرط که هرگاه برحسب پیشنهاد دیگری دولت بخواهد اتوبوس رانی طهران و شمیران را امتیاز انحصاری بدهد این کمپانی بشرایط مساوی از تاریخ تصویب این قانون بمدت پانزده سال حق تقدم خواهد داشت بدون اینکه بتواند حق مزبور را بدون تصویب مجلس شورای ملی بدگری انتقال بدهد.
تبصره - هرگاه از تاریخ تصویب این قانون تا یکسال کمپانی تعهدات خود را بموقع اجراء نگذاشت حق تقدم ملغی خواهد بود.

نایب رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - در موقع افتتاح مجلس توجه آقایان محترم اغلب معطوف بمسائل اقتصادی بوده و این فکر را داشتند که حتی المقدور يك گشایشی در اهالی مملکت حاصل شود .

(خنده نمایندگان)

البته این نظر اقتصادی خیلی خوب است و باید طوری شود که پول در مملکت زیاد شود و کمتر بخارجچه برود . یعنی هر قدر این مسئله تأمین شود بمرور ممکن است روتی در اهالی تولید شود حالا این لایحه اتوبوس رانی با اینکه میگویند بعنوان انحصار نیست و بعنوان اجازه است يك رقابتي است که برای اهالی مملکت خودمان درست میکنیم و ما بجای اینکه داخلی هارا تشویق کنیم رقابت هم برای آنها درست میکنیم - در ممالک خارجه اغلب يك شرکتهائی که میآیند و يك رقابتهائی با آنها میکنند دولت منع می کند و جلوگیری از این رقابتهای میکنند . ما که بداخله

امتیاز نمیدهیم هیچ بلکه رقابت هم برای آنها درست میکنیم در این چند سالی که اتوبوس در این مملکت ما دایر شده يك کاراژ هائی درست شده و يك اتومبیلهائی برآه افتاده ملاحظه فرمائید چه قدر پول اتومبیل بخارجه میرود! چه قدر بنزین بخارجه میرود.....

یکنفر از نمایندگان - بنزین میآید

عباس میرزا - بلی پول این مملکت میرود و در عوض بنزین میآید پول ما میرود و اتومبیل میآید و در مقابل ایرانیها برسایله این دو چیز يك کسی میکنند . آنوقت ما این کار را هم محدود میکنیم و آن اشخاصی را که متصدی این کارند ورشکست میکنیم و بنظر بنده این قسمت در آن نظر علاقه مندی که آقایان در مسئله اقتصادی دارند بکلی مخالفت دارد بنده از نقطه نظر علاقه مندی که آقایان بمسائل اقتصادی دارند متذکر شده و نظریه خود را در این موضوع بعرض رسانده و خوب است آقایان يك توجه بیشتری در این موضوع فرمائند بنا بر این بعقیده بنده بهتر این است این مسئله را برای بعد بگذاریم

نایب رئیس - آقای افشار

افشار - در يك موقعی که صحبت میشد که در این مملکت باید وسایط نقلیه جدید ایجاد شود يك عده طرفداری از شتر میکردند و میگفتند اگر اتومبیل در این مملکت وارد شود وسایل نقلیه قدیمه که ما برحسب عادت بآن معتاد شده ایم از بین خواهد رفت بالاخره این فکر کهنه در مقابل افکار جدید مستهلک شد و از بین رفت و اتومبیل در این مملکت آمد و يك عده ایرانی و غیر ایرانی دارای شرکت دائمارکی میخواهد وسایل نقلیه شهر و شمیران را اداره کنند آنوقت فوراً درشکه چی ها و اتومبیل چپها که یکوقت مخالف داشت طرفدار پیدا میکنند بناء علیهذا برای حفظ و صیانت آنها معتقد میشوند که وسایط نقلیه جدید برای طهران لازم نیست و افراد مملکت نباید از وسایل نقلیه جدید استفاده کنند و باید محروم باشند

در صورتیکه بنظر بنده ما باید در ایران هر داخله و خارجه را تشویق کنیم يك شرکت خارجی امروز آمده و میخواهد يك امتیازی از ما بگیرد . ما هم البته باید دو بدهیم اگر نماینده محترم هم يك شرکت داخلی را در نظر دارند که امتیازی بخواهد معرفی فرمائند پیشنهاد خودش را توسط دولت بمجلس فرستند . البته مجلس باکمال ملاحظت و آسایش و استراحت قلب چنین پیشنهادی را تلقی خواهد کرد . ولی در صورتیکه شرکت داخلی حالا وجود خارجی ندارد و هنوز يك عده ایرانی نیامده اند که این امتیاز را از دولت و مجلس بخواهند و حالا يك شرکت خارجی پیدا شده نباید تا این لایحه که فعلاً مطرح است مخالفت کنیم که يك اشخاص دیگری هم که از نقطه نظر انتفاع خودشان و از نقطه نظر تسهیل وسائل ما آمده اند يك اقداماتی بکنند ازین بروند . ما در این قضیه باید ثابت کنیم که همه بدانند مملکت ایران علاقه مند بایجاد و تأسیس وسائل نقلیه جدید و ترویج وسائل نقلیه جدید است . تأسیس آقایان خراف و آگون امروزه را تصدیق میفرمائید که اغلب پنجاه نفر در يك واگون سوار میشوند و در سر هر چهار قدمه بچهار قدمه و آگون می ایستد و اسباب زحمت مرده را فراهم میکنند و همه روزها نا کسش را عوض میکنند و بعنوان اینکه امروز گرانی است مالش راه نمیرود یا بر قیمت نا کس خود میافزاید و بالاخره باید روزی برسد که ایرانیها هم بعمر خود قدر و قیمت بدهند و راه خودشان را با سرعت اوقات طی کنند مثلاً در ظرف پنج دقیقه فلان کاسب یا اعضاء اداره از منزل بداره سرکارش برود . ولی مسافرت با این واگون حقیقه اتلاف عمر است و با این وضع امروزه که وسایل نقلیه در مملکت ما نیست زندگانی عملی برای ما غیر ممکن است بنا بر این بنده تصور میکنم اگر يك اصلاحاتی در مواد لایحه بنظر آقایان میرسد ممکن است در موقعش پیشنهاد فرمائند تا در او دقت شود ولی اساساً مخالفت کردن با این لایحه بنده نمیدانم مبتنی بر چه فلسفه و نظری است ؟

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - البته خاطر آقایان محترم مسبوق است که در این شهر تقریباً پانصد درشکه هست ؟ یکنفر از نمایندگان - بیشتر .
فیروز آبادی - پانصد درشکه کرابه و هر کدام از این درشکه ها درشکه چی دارند چیز دیگر دارند و هر کدام اهل و عیال دارند . از آنطرف پانصد نفر هم صاحب درشکه هستند که آنها هم هر کدام اهل و عیال و عائله دارند و تمام اینها زندگانییشان باید از این من اداره شود حالا که ما میخواهیم وسایل آسایش يك عده را فراهم بکنیم از آنطرف هم باید ملاحظه کنیم که يك عده دیگر هم نباید معذوم بشوند معذوم شدن آن عده اهمیتش خیلی زیاده از این است که يك کسی ببنده پنج دقیقه دیر تر برسد یا زود تر . بی اگر ما کار برای آنها نپسید میگردیم و يك ترتیبی برای زندگانی آنها میدادیم آنوقت لابد بودیم که این ترتیبات را هم تصویب کنیم اما متأسفانه وقتیکه در این شهر دو هزار نفر بی نان میمانند این در مقابل اینکه ما میخواهیم در اتوبوس نشسته و پنج دقیقه زود تر بمقصد برسیم ارزش ندارد . بنده خیلی تعجب میکنم که ما در اینجا فقط يك قسمت را ملاحظه میکنیم ولی از قسمت دیگر که مربوط بزندگان درشکه چی ها و صاحبان درشکه است صرف نظر میکنیم . بنده باین ملاحظه با این لایحه مخالفم .

مخبر - لازم است خاطر آقایان محترم را مستحضر کنم که درشکه چیزی نیست که عامه بتوانند از آن استفاده نمایند بلکه يك چیزی است که يك طبقه مخصوص از آن استفاده خواهند کرد . ما تا يك اندازه خواسته ایم حال ضعفا و فقرا را در نظر بگیریم و مقصود ما آسایش همان عده بود که آقا هم خوشبختانه طرفدار آنها هستند و بنده عقیده دارم که اگر شما با این لایحه باین نظر مخالفت میکنید که درشکه چی ها از کار می افتند فکر آن کاسب بدبخت را هم بکنید که از دروازه حضرت عبدالعظیم میخواهد

باید بدروازه قزوین این وسیله میخواید این شخصی که نمیتواند در شبکه سوار بشود. مسافر اتوبوس غیر از مسافر در شبکه است و هر قدر این وسایل هم در این شهر زیاد بشود هیچوقت در شبکه ها از کار نمی افتند و در شبکه سوارها يك عده علیحده هستند. بعلاوه این اتوبوس در تمام خیابانها نمیرود خیلی از خیابانها هست که اتوبوس نمیتواند برود. و در شبکه برای آنجاها لازم است.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این لایحه را بنده از نظر سیاسی آن از آقای وزیر فواید عامه سؤال کردم (چونکه بنده باین موضوع علاقمند هستم و بظهار ایشان عقیده دارم) ایشان فرمودند از جهت سیاسی اشکالی ندارد. بسیار خوب. از آن جهت راحت هستم لیکن بینی و بین الله از جهت اقتصادی مخالقم و حالا عرض میکنم: آقای روحی حفظه الله فرمودند (خنده نمایندگان) دلشان برای آن کاسب بیچاره میسوزد بنده بهمین آقای دادگر عرض کردم بچه مناسبت اتوموبیل سواری در طهران آمده. بنده صبح در دز آشوب نشسته ام حرکت میکنم پیاده میام بمجلس چای هم میخورم هنوز کاری ندارم - آقایان اتوموبیل را سوار میشوند تند میروند وقتی وارد میشوند هیچ کاری ندارند غیر از سیکار کشیدن عرایض بنده در دوره چهارم در نظر آقایان هست که یکی از نمایندگان فرمودند که اگر کسی اتوموبیل و اتوبوس بیاورد اینجا ثواب حج اکبر را کرده است و بعد هم باید برای ورثه او حقوق قرار دهیم که اتوبوس آورده است حالا که مطالعه میکنم می بینم ده کرور پول برای نفت و سایر چیزها داده ایم و دود شده بهوا رفته و مملکتمان را گرفتار فقر و فاقه کرده ایم در عوض چه داریم؟ اتوموبیل سوار شو؟ هی تند تند برو! کار چه داری هیچ!! همان وقت هم عرض کردم که مجلس شورای ملی باید قوانین اخلاقی بنویسد. بچه معنی؟ باین معنی که ما يك ملتی هستیم که خودمان را فوق العاده از اولاد حاتم میدانیم در خرج کردن! لیکن علم و قناعت نداریم و میدانیم صرفه جوئی

چقدر نافع است بحال ما و تا يك قانونی وضع نشود که ملت را عادت بقناعت بدهد این ملت نجبات پیدا نمیکند. يك گشاد بازها و يك مخارج فوق العاده ما برای خودمان تهیه کرده ایم و مملکت را باین روز انداخته ایم. حالا آقای شیروانی به بنده نفرمائید که گفتی ما ملت گدائی هستیم ما گدا نیستیم البته ما ملت متمولی هستیم اما ملت متمول باید دخل و خرج خودش را در نظر بگیرد.

شده عرض میکنم همین اتوبوس رانی را که ملاحظه میفرمائید در سال از جیب همین کسبه بیچاره میبافی پول بیرون میآورد و اگر این پول از جیبش بیرون نیاید و اتوبوس هم سوار نشود به تمام انبیا و مرسلین قسم میخورم که آن کارش هم از دستش در میبرد و این يك اسباب راحتی بحسب ظاهر است. میگویند سه عباسی چیزی نیست صبح سه عباسی اهمیت ندارد عصر اهمیت ندارد آنوقت برای همان کاسب بیچاره در ماه چهار تومان و نیم تمام میشود. و همینطور سایر چیزهای دیگرش از نقطه نظر اقتصادی هم مضر است و هر قانونیکه این نظرها درش نشود غیر از ضرر برای ملت فایده ندارد بنده از نقطه نظر اقتصادی این را عرض کردم که هر چیزیکه اسباب تفریح و تفنن باشد (لوکس هم عرض میکنم که بگویند لوکس نیست) فقط اسباب این است که يك پولی از جیب ما بیرون بیاورد در صورتیکه ما محتاج نیستیم چون يك وقت ما میخواستیم پول از جیبمان خارج کنیم که حقیقه در حیات اقتصادی و سیاسی محتاج باشیم. یفان معدن نفت را استخراج کنیم این اهمیتی ندارد. مثل فرمایش آقای مشیر الدوله که فرمودند متخصصین يك سنی هستند اما چون ما باید در دروا دروا کنیم محتاج باین سم هستیم ولی يك چیز هائیکه ما در اساس زندگانی بآن محتاج نیستیم و طهران هم هنوز مثل شهرهای بزرگ نیست که باید از این طرف شهر بآن طرف شهر سوار اتوموبیل شد و هنوز هم این قدر کسبان رونق پیدا نکرده است که اهالی بازار محتاج باشند صبح اتوموبیل سوار شوند و آخر ماه هم دخل و خرجشان یکی نشود. از این

نقطه نظر بنده مخالف هستم والا از نقطه نظر دیگر چون ایشان بنده اطمینان دادند مخالف نیستم و باز هم تکرار میکنم این مطلب را که ما باید کاملاً مثل آن محاسب باشیم که (بدخل و خرج خود هر دم نظر کن) یعنی اگر روزی دو قران داریم سی شاهی خرج کنیم و اگر سی شاهی داریم بقران و ما باید این ترتیب را در مشی سیاسی و مشی اقتصادی خودمان عمل کنیم و همان دستور اسلامی را که عز من قنع باشد که تمام عقلا و فلاسفه عالم قبول دارند رفتار کنیم. مگر روزنامه نمیخوانید؟ مملکت فرانسه که مملکت متمولی است مع ذلک تصمیم گرفته و حکم کرده است که اهالی نان سفید نخورند و نان سیاه بخورند چرا؛ بعلم اینک که میدانند در زندگانیشان تفاوت حاصل میشود در روزنایجات خوانندیم که فلان وکیل در مجلس انگلستان میگوید که ما بچه مناسبت هزار ایره بدهیم به يك نفر برود خرج کند؟ يك مملکت باین متمولی این طور رفتار میکند. ما هم در تمام کارها بمان باید مشیانی مشی اقتصادی باشد و جلو اتلاف و اسراف را بگیریم این است که بآقای مخبر (که در این مسائل با من هم عقیده هستند) عرض میکنم که این يك چیزی نیست که ما خیلی بآن محتاج باشیم و اگر از بین رفت استقلال مملکت از بین رفته است و بالاخره هیچ منافع سیاسی و اقتصادی هم برای ما ندارد مگر فقط يك تفریحاتی است و بنده بیشتر از این عرض میکنم وزیر فواید عامه - عرض کنم این فرمایشانی که میشود (يك دفعه دیگر هم عرض کرده ام) فلسفه است نه مطلب. امروز اتوبوس رانی در این مملکت چه شکل است؟ هر کس دلش میخواهد میآید اتوبوس راه می اندازد. فقط هم میسوزد. بزرگ هم میسوزد هیچکس هم حرف نمیزند و کسی هم نمیتواند حرف بزند باز هم اتوموبیل میآورند و باز هم نفت و بزرگ خواهد سوخت اما بطریق بدی. امروز يك اشخاصی در این مملکت میآیند و يك اقداماتی میکنند و این اقدامات میباشد بعد از اینکه یکسال دو سال این اقدامات

شد میباشد و يك صورتهای دیگری بخودش میگیرد این اتوبوس رانی که بنده درش مداخله کردم دو حکمت دارد. بیشتر هم ندارد یکی اساساً حکمتش این است این اتوبوس رانی بیکدستی بیاید که از برای ما زحمت پلیتیکیش کمتر باشد و الا دیگران میآورند. گوش بین حرفها هم نمیدهند.

ملاحظه اقتصاد شمارا هم نمیکند...

آقا سید یعقوب - چرا میگذارید؟ دولت نگذارد وزیر فواید عامه - نمیتوانیم نگذاریم تجارت آزاد است دولت هم نمیتواند نگذارد. اینکه در این لایحه اتوبوس رانی گفتیم آزاد - آزاد برای چیست؟ تجارت که آزاد است هر کس هم میخواید اتوبوس میآورد و براه هم میاندازد شما هم که نمیتوانید مانع شوید. این حرفها از نظر ظرفداری ضعف و فقرا و نمیدانم اینچور چیزها هم اهمیتی ندارد ضعفا نشینند میخوایند بشینند بشینند وقتی هم موجود شد البته می نشینند بنده کاری بین کارها ندارم در این اتوبوس رانی آزاد که هر کس میتواند از ایرانی و فرنگی بیاید بهلویش یکی دیگر دایر کند ما دو چیز بلکه سه چیز در نظر داریم یکی این است که اینها بيك قیمتی می آیند این کار را می کنند که نسبت بقیمتهای دیگر برای این مملکت صرفه دارد (یعنی نوعی از صرفه) حالا که بزرگ میسوزانند اگر عوض هشت شاهی چهارده شاهی بگیرند باز هم بزرگ میسوزانند یکی دیگر اینکه اشخاصش که میخواهند اینکار را بکنند بنظر بنده بهتر آمده است و اگر این اشخاص اینکار را بکنند چون بالاخره يك حد طبیعی دارد که در این مملکت چقدر اتوبوس میشود راه انداخت و وقتی که این اشخاص بيك قیمت نازلی این کار را بکنند البته کنکورانس کمتر پیدا می کند و باین قیمت کسی نمی آید بکند یکی دیگر گفتم دست مداخلت دارد و ما گفتیم دست کی باشد والا در قیمت و سایر چیزهای دیگر چندانی عیبی ندار. یکی دیگر اینکه ما خواستیم درین موضوع يك مؤسسه خارجی درست بکنیم که تابع

نایب رئیس -- بسیار خوب پیشنهاد آقای دکتر طاعری قرائت میشود.
(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول جزء اخیر اینطور اصلاح شود: حق مزبور بدون تصویب مجلس شورای ملی بدیگری قابل انتقال نیست.

نایب رئیس -- این هم مراجعه به کمیسیون میشود. از طرف آقای نظامی و حیدری پیشنهاد ختم جلسه شده است.

جمعی از نمایندگان -- صحیح است

نایب رئیس -- جلسه ختم میشود جلسه آتی پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه این لایحه و مسئله مؤسسات معارف.

(مجلس تقریباً سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

تصدیق میفرمایند که مربوط بمسائل دیگری که در خارج هست نباید کرد. در هر صورت بنده پیشنهاد کرده که مدت حق تقدم ده سال باشد برای آنکه آقای آفاسید بعقوب نماینده محترم هم که در اینجا يك بیمی داشتند حالا کمپانی داتمارکی که هیچ ارتباط سیاسی ندارد یعنی سیاست مضری برای مملکت ندارد بیاید تابع قوانین داخلی مملکت ما بشود و بالاخره ما را ازین واگن که شصت سال است گریبان این مملکت را گرفته و ما را ول نمیکند خلاص کند حالا برای اینکه ایشان اوقاتشان تلخ نشود گفتم یازده سال ده سال بشود بلکه موافقت بفرمایند.

نایب رئیس -- رای میگیریم

مخبر -- بنده تقاضا کردم پیشنهادات خوانده بشود توضیح بدهند بعد ارجاع بکمیسیون بشود.

خود را بموقع اجرا نگذاشت حق تقدم ملغی خواهد بود بنده پیشنهاد کرده ام در عوض یکسال ششاه نوشته شود در صورتی که آقای مخبر تصور می کنند پیشرفت دارد بکمیسیون ارجاع شود و الا اصراری ندارم

نایب رئیس -- آقای مخبر چه عقیده دارند

مخبر -- بنده عقیده ام این است که تمام پیشنهادات قرائت شود و بدون اینکه رای گرفته شود با ماده بکمیسیون ارجاع شود

بعضی از نمایندگان (بطور همهمه) شورانی است

نایب رئیس -- پیشنهادات کلیه ارجاع میشود بکمیسیون آفاسید بعقوب -- چون شور دوم است بایستی پیشنهادات قرائت شود و تکلیفش معلوم شود

میرزا عبدالله خان وثوق -- بنده پیشنهاد خود را مسترد میکنم

نایب رئیس -- این پیشنهادات باید تکلیفش معلوم شود بعد

مخبر -- ایشان حق ندارند پیشنهادشانرا مسترد کنند پیشنهاد کردند و بنده هم تقاضا کردم پیشنهادشان ارجاع بکمیسیون شود دیگر نمیتوانند مسترد کنند

(خنده نمایندگان)

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای شیروانی قرائت میشود:
(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت حق تقدم ده سال باشد شیروانی -- بنده از همکاری محترم میخواستم استدعا کنم در مسائل مشترکی که برای مملکت است این طور مسائل را بیکدگری دقت فرمایند ممکن است يك قانونی با يك معایبی بیاید بمجلس. فلسفه پارلمان هم همین است که اگر يك قانون داری معایبی باشد درین جا مذاکره بشود مواد خویش تصویب شود و مواد بدش حذف شود بالاخره بایک طرز خوبی و بیک طرز بدی که نظر شوروی و بیطرفانه آقایان درس مدخلیت داشته باشد و برای مملکت هم مفید باشد درست بشود این نوع مسائل را البته آقایان

قوانین ما باشد و ما این کار را کرده ایم حالا اگر بد کرده ایم خوب بد کرده ایم بنده بعقیده خودم خوب کرده ام و بعقیده بنده مخالفت با این پیشنهاد مخالف مصلحت است مخالف با حکمت است. حالا آقای آفاسید بعقوب اگر يك چیزهایی می فرمایند شاید دقت نکرده اند این آزاد است ابدأ کسی بکسی زوری ندارد امتیازی چیزی هم نیست این لایحه را هم که ما اینجا آورده ایم برای این است که آن آدم گفت من باید اطمینان داشته باشم که میخواهم هفت هشت ده سال یازده سال اینکار را بکنم معارض نداشته باشم و اگر کسی دیگر آمد و با من خواست کنکورانس بکشد با شرایط مساوی من حق تقدم داشته باشم این يك که اسباب این شد که ما این را آوردیم بمجلس برای این حق تقدم بود و از هر نظر این کار خیلی خوبست و هیچ ضرری ندارد بنده اصراری هم ندارم و علاقه مند هم نیستم که اینکار بگذرد و یا نگذرد و برای من هم ابدأ فرق ندارد منتهی من اینکار را مصلحت دانستم و آوردم بمجلس حالا اگر هم مجلس نظر مخالفی دارد و صلاح نمیداند خیلی خوب تصویب نکنند ولیکن اتوبوس میآورند راه هم میاندازند بنزین راه میسوزانند این منافع را هم ندارد و نخواهد داشت

نایب رئیس -- آقای عباس میرزا

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

نایب رئیس -- پیشنهادات قرائت میشود

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ماده اول بجای یکسال ششاه نوشته شود. عبدالله وثوق

نایب رئیس -- آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق -- بنده بایانات و توضیحات که آقای وزیر فواید عامه دادند کاملاً موافقت دارم و نسبت باین موادی هم که کمیسیون فواید عامه را برت داده اند موافقت دارم فقط نسبت به تبصره که نوشته شده است « هرگاه از تاریخ تصویب این قانون تا يك سال کمپانی تعهدات